



A Comparative Analysis of the Psychological Effects of Virtual Networks on Family and Social Attitudes at Different Scales of Population Density

Vahid Ghanbari^{1✉} | Sajjad Farhang² | Omid Maragheh³

1. PhD in Educational Psychology, Lecturer, Department of Social Sciences, Faculty of Management, Imam Ali University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: Ghanbarivahid1252@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Management, Imam Ali University, Tehran, Iran. Email: Farhangsajjad@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Management, Imam Ali University, Tehran, Iran. Email maraghe@iamu.ac.ir.

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 18 March 2026

Received in revised form

10 June 2026

Accepted 16 June 2026

Published online 25 June
2026

Keywords:

*Digital ecology, structure
of mind, virtual networks,
family attitudes, social
attitudes*

ABSTRACT

Objective: The present study comparatively analyzes the psychological impacts of virtual networks on social and family processes across different population density scales. In the era of technological governance, while postmodern media has democratized access to information, it has simultaneously challenged the traditional frameworks of upbringing and education.

Methodology: This survey research, grounded in the theoretical perspectives of Inglehart and Allport, examined individuals aged over 15 residing in Tehran metropolis and its surrounding rural areas. The main independent variable was the level of interaction with virtual space, while dependent variables measured the functioning of the family value system and religious beliefs.

Findings: Statistical analyses revealed significant differences in the psychological and value-related effects of digital environments between urban (densely populated) and rural (sparsely populated) contexts. These differences were mainly attributed to the diversity of accessible information sources via modern communication tools. Notably, larger families demonstrated higher engagement with virtual networks. Moreover, an inverse and significant relationship was observed between the intensity of virtual space use and the coherence of the family value system.

Originality: These findings highlight the critical need for developing technological literacy programs aimed at maintaining equilibrium between the digital ecology and the structure of mind, ensuring that sociocultural values remain resilient amid rapid digital transformation.

Cite this article: Ghanbari, Vahid; Farhang, Sajjad; Maragheh, Omid (2026). A Comparative Analysis of the Psychological Impacts of Social Networks on Family and Social Attitudes Across Varying Levels of Population Density. *Journal of Futures Studies and Modern Interdisciplinary Studies*, 1(4), 19–31.

Publisher: AJA Imam Ali Military University

DOI: <http://doi.org/000000000000000000>





واکاوی تطبیقی تأثیرات روان‌شناختی شبکه‌های مجازی بر نگرش‌های خانوادگی و اجتماعی در مقیاس‌های مختلف تراکم جمعیتی

وحید قنبری^۱ | سجاد فرهنگ^۲ | امید مراغه^۳

۱. استادیار روان‌شناسی تربیتی، مدرس گروه علوم اجتماعی، دانشکده مدیریت، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول) رایانامه: Ghanbarivahid1252@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده مدیریت، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران. رایانامه: Farhangsajjad@yahoo.com

۳. مدرس گروه علوم اجتماعی، دانشکده مدیریت، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران. رایانامه:

maraghe@iamu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر در پی واکاوی تطبیقی تأثیرات روان‌شناختی شبکه‌های مجازی بر فرآیندهای اجتماعی و خانوادگی در بستر مقیاس‌های متفاوت تراکم جمعیتی است. در عصر حکمرانی فناوری، همگرایی رسانه‌های پسمردن، اگرچه دسترسی را جهانی کرده، اما چالشی جدی را در نظارت ساختارهای سنتی تربیت و آموزش ایجاد نموده است. این مطالعه با هدف سنجش تفاوت‌های بنیادین در شکل‌گیری نظام ارزشی افراد در مناطق شهری (پرجمعیت) و روستایی (کم‌جمعیت) انجام شد. این پژوهش پیمایشی، با بهره‌گیری از پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته و با استناد به چارچوب‌های نظری اینگلهارت و آلپورت، نمونه‌ای از افراد بالای ۱۵ سال ساکن در کلان‌شهر تهران و حومه‌اش را به عنوان جامعه هدف قرار داده است. متغیر مستقل اصلی، میزان تعامل با فضای مجازی و متغیرهای وابسته شامل سنجش کارکرد نظام ارزشی خانوادگی و باورهای دینی تعریف شدند. نتایج تحلیل آماری، وجود تفاوت معنادار در تأثیرات روان‌شناختی فضای دیجیتال بر ساختارهای ارزشی دو بافت جمعیتی متفاوت را تأیید کرد؛ تفاوت‌هایی که ریشه در تنوع منابع اطلاعاتی قابل دسترس از طریق ابزارهای نوین ارتباطی دارد. به طور خاص، مشاهده شد که در خانواده‌های پرجمعیت، نرخ بهره‌برداری از شبکه‌های مجازی بالاتر است. همچنین، رابطه معکوس و معناداری بین شدت استفاده از این فضاها و انسجام نظام ارزشی خانوادگی برقرار است. این یافته‌ها بر لزوم توسعه سواد فناورانه برای مدیریت تعادل بین اکولوژی دیجیتال و ساختار ذهن تأکید دارد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

کلیدواژه‌ها:

اکولوژی دیجیتال، ساختار ذهن، شبکه‌های مجازی، نگرش‌های خانوادگی، نگرش‌های اجتماعی

استناد: قنبری، وحید؛ فرهنگ، سجاد؛ مراغه، امید (۱۴۰۴). واکاوی تطبیقی تأثیرات روان‌شناختی شبکه‌های مجازی بر نگرش‌های خانوادگی و اجتماعی در مقیاس‌های مختلف تراکم جمعیتی. *فصلنامه آینده‌پژوهی، مطالعات میان رشته‌ای نوین*.

۱ (۴)، ۱۹-۳۱. ناشر: دانشگاه افسری امام علی (ع)



DOI: DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

مقدمه

عصر حاضر، فراتر از یک دوران صرفاً مبتنی بر «ارتباطات»، به مثابه ظهور یک اکوسیستم جدید تعریف می‌شود؛ محیطی که در آن، زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، به‌ویژه شبکه‌های مجازی، به عاملی تعیین‌کننده در تنظیم زیستگاه روانی و اجتماعی انسان تبدیل شده‌اند. دسترسی بی‌قیدوشرط به این بستر سایبری، به‌ویژه برای نسل‌های جوان، موجب شده است که تعاملات، مصرف اطلاعات، و شکل‌گیری هنجارها از ساختارهای سنتی فاصله گرفته و در فضای مجازی مجدداً فرم‌بندی شوند. این تحول بنیادین، مستلزم بازنگری در فهم ما از نحوه شکل‌گیری ادراک فردی است. ماهیت این پدیده، یک دوگانگی ساختاری را در جامعه پسا صنعتی ایجاد کرده است: جامعه‌ای که در آن، افراد همزمان در فضای حقیقی با محدودیت‌های مرسوم و در فضای مجازی با آزادی‌های ساختارشکنانه زندگی می‌کنند. این مواجهه مستمر با طیف وسیعی از سبک‌های زندگی و نظام‌های ارزشی متکثر، تأثیر مستقیمی بر ظرفیت فرد برای حفظ، بازتولید یا تغییر نگرش‌های خانوادگی و بنیادین می‌گذارد. در این میان، نهاد خانواده به عنوان سنگر سنتی انتقال ارزش‌ها، با چالش تأخیر فرهنگی مواجه است؛ یعنی سرعت تغییرات تکنولوژیک به مراتب سریع‌تر از سرعت انطباق نهادهای اجتماعی با آن است. نکته حیاتی در پژوهش حاضر، در نظر گرفتن مقیاس‌های فضایی و تراکم جمعیتی است. تأثیرات روان‌شناختی شبکه‌های مجازی به صورت یکنواخت در سراسر جامعه توزیع نشده است. تفاوت‌های موجود میان مناطق شهری بسیار پرجمعیت و مناطق کم‌تراکم، محتمل‌ترین مسیرهایی را برای نفوذ این فناوری‌ها و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر نظام خانواده ترسیم می‌کند. در مناطق کم‌تراکم، فناوری ممکن است جای خالی ساختارهای سنتی را پر کند و تأثیری رادیکال‌تر داشته باشد، در حالی که در مناطق متراکم، رقابت شدیدتر منابع اطلاعاتی، فرآیند انطباق شناختی را پیچیده‌تر می‌سازد. لذا، این پژوهش با رویکردی تطبیقی، به دنبال واکاوی این تفاوت‌ها است تا نشان دهد که اکولوژی دیجیتال چگونه ساختار ذهن افراد را در معرض تأثیرات شبکه‌های مجازی قرار داده و این تأثیرات، تحت فیلتر تراکم جمعیتی، چه تغییراتی در نگرش‌های خانوادگی و اجتماعی نسل جوان ایجاد می‌کند. این بررسی نه تنها بر اهمیت آگاهی از پیامدهای شناختی تأکید می‌ورزد، بلکه زمینه‌ساز درک تفاوت‌های محیطی در مدیریت چالش‌های انقلاب دیجیتال خواهد بود.

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

مبانی نظری

عصر حاضر، فراتر از یک دوران صرفاً مبتنی بر «ارتباطات»، به مثابه ظهور یک اکوسیستم جدید تعریف می‌شود؛ محیطی که در آن، زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، به‌ویژه شبکه‌های مجازی و ابزارهای ارتباطی الکترونیک، به عاملی تعیین‌کننده در تنظیم زیستگاه روانی و اجتماعی انسان تبدیل شده‌اند. دسترسی بی‌قیدوشرط به این بستر سایبری، موجب شده است که منابع اطلاعاتی دریافتی توسط افراد دستخوش تغییراتی قابل توجه شود و این تغییرات در جنبه‌های مختلف زندگی مشهود گردد. این تحول بنیادین، مستلزم بازنگری در فهم ما از نحوه شکل‌گیری ادراک فردی است، زیرا رسانه‌ها توانایی شکل‌دهی یا تغییر ساختارهای ارزشی در درازمدت را دارند و جریان فکری موجود را تقویت می‌کنند (ساروخانی و بابایی فرد، ۱۳۹۱؛ مرتون). نظام ارزشی در هر جامعه، شامل مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و ذهنی پذیرفته‌شده است که به شدت تحت تأثیر بستر جغرافیایی، زمانی و اجتماعی قرار دارد. این نظام، در چارچوبی پویا و انعطاف‌پذیر عمل می‌کند؛ چنان‌که هافستد، ارزش را «گرایشی کلی به ترجیح وضعیت‌های خاصی بر دیگر موارد» تعریف می‌کند و روکیچ آن را «باوری پایدار درباره شیوه‌ای خاص از رفتار یا اهداف غایی» می‌داند که بر دیگر اهداف اولویت دارد. به عبارت دیگر، ارزش‌ها اصول انتزاعی‌اند که نمایانگر ابعاد کلیدی فرهنگ انسانی هستند و به شدت تحت تأثیر فرهنگ محل زیست قرار دارند (گیدنز، ۱۳۷۶).

پیامدهای این تحول ارزشی در نهاد بنیادین خانواده ملموس‌تر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که گرایش به ارزش‌های مادی، سیاسی و اجتماعی در نسل پسران، با پدران‌شان تفاوت‌های عمیقی دارد، در حالی که اختلافات در حوزه‌های علمی و مذهبی سطحی‌تر است (طولابی و کمریگی، ۱۳۹۲). علاوه بر این، مطالعات تأکید دارند که بین دسترسی دانشجویان به اینترنت و ارزش‌های خانواده، رابطه‌ای معکوس و معنادار وجود دارد، و مشکلاتی نظیر سردی روابط و نزاع‌ها در خانواده‌هایی که فرزندان وابسته به اینترنت دارند، بیشتر بروز می‌کند (کفاشی، ۱۳۸۸؛ گنجی، ۱۳۸۵ به نقل از پیرسی و یانگ).

با این حال، فضای مجازی بستری دوگانه فراهم می‌کند؛ از سویی، به دلیل قابلیت پنهان‌سازی هویت، به محلی امن برای تبادل دیدگاه‌های دینی و نقد آزادانه تبدیل شده و زمینه‌ای برای احیای معنویت فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، رسانه‌ها با معرفی مدل‌های

جدید زندگی، نقش مراکز آموزشی را برای نسل جوان ایفا می کنند و تغییرات هنجاری و ارزشی را به سرعت بازتاب می دهند (ساروخانی و بابایی فرد، ۱۳۹۱). این تغییرات در افکار، ارزش ها و سبک زندگی در هر دو محیط شهری و روستایی مشهود شده است؛ به ویژه در روستاها که دسترسی به این امکانات می تواند جایگزین ساختارهای سنتی شود.

بررسی ادبیات پژوهشی نشان می دهد که گرچه ابعاد مختلف موضوع مورد کاوش قرار گرفته است، اما مطالعه ای که تأثیر فضای مجازی بر نظام ارزش های خانواده ها را به طور مقایسه ای و همزمان در مقیاس های پرجمعیت (شهری) و کم جمعیت (روستایی) بررسی کند، کمبود دارد. این تفکیک مکانی اهمیت حیاتی دارد، چرا که هرگونه اختلال در خانواده به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی، می تواند به سایر بخش های جامعه سرایت کند. لذا، پژوهش حاضر تلاش می کند شکاف یادشده را پر کرده و به طور خاص، تفاوت اثر فضای مجازی بر نظام ارزشی افراد در خانواده های پرجمعیت و کم جمعیت را مورد سنجش قرار دهد.

تحولات شتابان فناورانه، به ویژه ظهور و گسترش فضای مجازی، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، به ویژه نهاد خانواده و نظام ارزش های اعضای آن را دستخوش دگرگونی ساخته اند. در این زمینه، مارگارت مید (از طریق پناهی، ۱۳۸۰) تأکید دارد که تحولات فناورانه عمیقاً بر رشد فرزندان و شیوه تربیت والدین تأثیر می گذارد و جوامع را به سه دسته سنتی، انتقالی (وابسته به همسالان)، و جوامعی با دگرگونی شدید تقسیم می کند؛ در دسته سوم، والدین ناچار به بازآموزی از فرزندان خود می شوند. این وضعیت، گرایش نسل نو به فضای مجازی برای شکل دهی نظام ارزشی خود را تقویت می کند، زیرا نظام ارزشی نسل پیشین برای آن ها ناکافی تلقی می شود.

در تبیین نظام ارزشی، از دسته بندی آلپورت (از طریق طالبی، ۱۳۸۷) بهره گرفته شده است که ارزش ها را بر اساس علایق غالب افراد به شش دسته نظری، اقتصادی، زیباشناختی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی تقسیم می کند. در بُعد ارزش های دینی، مقیاس سنجش جهت گیری مذهبی وی و رأس (۱۹۷۶) به نقل از لهسایی زاده و همکاران، (۱۳۸۵) بر تفکیک ابعاد درون دینی (باورها) و برون دینی (اعمال و مناسک) تأکید دارد. از منظر تغییرات فرهنگی وسیع تر، اینگلهارت (۱۳۷۳) تغییر فرهنگی را فرآیندی تدریجی ناشی از پیشرفت اجتماعی-اقتصادی می داند که منجر به کاهش ارزش های مادی گرایانه

می‌شود و استدلال می‌کند که اولویت‌های ارزشی افراد بازتاب‌دهنده شرایط محیطی دوران نوجوانی آن‌هاست که از طریق فرضیه‌های «کمیابی» و «اجتماعی شدن» قابل تحلیل است.

نهاد خانواده نیز همگام با این تغییرات، دستخوش دگرگونی ساختاری شده است. رابرتسون (۱۳۷۴) معتقد است در عصر مدرن، تمرکز از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای و نیازهای فردی منتقل شده است، زیرا خانواده کوچک با تحرک جغرافیایی و فردگرایی سازگاری بیشتری دارد. عاملی (۱۳۹۰) این تحول را در چارچوب پارادایم «دوفضایی شدن» و «دوجهانی شدن» تبیین می‌کند؛ او بیان می‌کند که رشد همزمان جهان‌های واقعی و مجازی، زمینه بازتعریف ارزش‌های اخلاقی و توسعه ارتباطات بین‌فرهنگی را فراهم می‌آورد و بر تأثیر این پدیده بر هویت‌یابی فردی و تعاملات خانوادگی تأکید می‌کند. این دیدگاه با تحلیل دانیل لرنر (از طریق مک کوئیل، ۱۳۸۲) همسو است که معتقد بود رسانه‌ها با افزایش انتظارات، ارزش‌های سنتی را به چالش کشیده و گذار به جامعه مدرن را تسریع می‌کنند. همچنین، ولمن (از طریق حاجی‌زاده و میمندی، ۱۳۸۹) بیان می‌کند که روابط افقی در جوامع شبکه‌ای که جایگزین ساختارهای سلسله‌مراتبی شده‌اند، نفوذپذیری مرزها را تقویت می‌کند.

این مبانی نظری، که بر تأثیر عمیق فناوری بر تحولات ارزشی و ساختار خانواده تأکید دارند، در کنار یافته‌های پیشین (مانند طولابی و کمریگی، ۱۳۹۲؛ کفاشی، ۱۳۸۹؛ و ساروخانی و بابایی‌فرد، ۱۳۹۱)، نشان‌دهنده اهمیت فضای مجازی در شکل‌دهی به نظام ارزشی است. با این وجود، شکاف اصلی در ادبیات پژوهشی، عدم بررسی مقایسه‌ای تأثیر فضای مجازی بر ارزش‌ها در خانواده‌های پرجمعیت و کم‌جمعیت است که مستلزم طراحی مدل نظری و تدوین فرضیه‌های پژوهش حاضر می‌باشد.

بر اساس تحلیل‌های نظری ارائه شده که بر تلاقی تحولات فناورانه، تغییرات ساختار خانواده (پرجمعیت در مقابل کم‌جمعیت)، و اهمیت ابعاد ارزشی (عام و دینی) تأکید داشتند، چارچوب نظری پژوهش به صورت زیر تدوین و فرضیه‌های اصلی آن استخراج گردید:

مدل نظری:

مدل پیشنهادی بر آن استوار است که ساختار جمعیتی خانواده (به عنوان یک متغیر زمینه‌ای و تعدیل کننده) و میزان استفاده از فضای مجازی، بر نظام ارزشی خانوادگی تأثیرگذار بوده و این تأثیرات در خانواده‌های پرجمعیت و کم جمعیت متفاوت خواهد بود. فرضیه‌های اصلی پژوهش:

فرضیه ساختار و ارزش‌های کلی: میزان استفاده از فضای مجازی در خانواده‌های پرجمعیت و کم جمعیت دارای تفاوت بوده و در نتیجه، نظام ارزشی کلی خانوادگی (شامل ابعاد عمومی هافستد، آلپورت و...) بین این دو گروه از خانواده‌ها، تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

فرضیه ارزش دینی: نظام ارزشی دینی خانواده‌ها (با تفکیک ابعاد درون دینی و برون دینی بر اساس سنجش وی و رأس) در خانواده‌های پرجمعیت و کم جمعیت تفاوت معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی که نیازمند توصیف، تحلیل و مقایسه نظام‌های ارزشی در بستر ساختارهای متفاوت جمعیتی در مواجهه با فضای مجازی است، روش تحقیق این پژوهش ترکیبی از روش‌های توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای می‌باشد. از نظر هدف، این پژوهش در زمره‌ی پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد و از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، به صورت پیمایشی مقطعی اجرا شده است.

جامعه‌ی هدف این پژوهش، خانواده‌های ساکن در شهر تهران و روستاهای اطراف آن هستند.

نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، نمونه‌گیری سهمیه‌ای بر اساس محل سکونت است. سهم هر یک از مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران بر اساس نسبت توزیع جمعیتی آن منطقه تعیین گردید. در بخش روستایی، از میان روستاهای شهرستان تهران، تنها روستاهای واقع در بخش مرکزی که دارای دسترسی به اینترنت همراه یا پرسرعت بودند، در فرآیند نمونه‌گیری لحاظ شدند تا امکان سنجش تأثیر فضای مجازی فراهم آید. حجم نمونه‌ی مورد نیاز برای این پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران برای جمعیت بزرگ (بیش از ۴۷۰,۰۰۰ نفر) و با لحاظ کردن ضریب اطمینان و سطح خطای مناسب، برابر با ۳۸۴ نفر برآورد شده است (بر اساس استناد به سرمد، ۱۳۸۲).

مقادیر تعریف‌شده برای هر یک از اجزای فرمول کوکران به شرح زیر بوده است.

$$۱/۹۶ = \text{ضریب اطمینان } ۹۵$$

$$۰/۵ = p \text{ احتمال وجود صفت موردنظر (استفاده از اینترنت)}$$

$$۰/۵ = \text{و احتمال عدم وجود صفت موردنظر}$$

$$۰/۵ = d \text{ دقت احتمالی مطلوب}$$

این پژوهش با هدف اصلی تحلیل و بررسی تفاوت تأثیر استفاده از فضای مجازی بر نظام ارزشی افراد در خانواده‌های شهر تهران و مناطق کم‌جمعیت پیرامون آن طراحی شده است، که این طراحی مبتنی بر مدل نظری تثبیت‌شده‌ای است که تفاوت در نظام ارزشی کلی و دینی را بین خانواده‌های پرجمعیت و کم‌جمعیت مورد تأکید قرار داده است. در گام نخست، با رویکردی جامعه‌شناختی، نظریات اندیشمندان اجتماعی در خصوص تأثیرات فضای مجازی بر نظام ارزشی مورد مطالعه قرار گرفت و مهم‌ترین ابعاد و سازه‌های تأثیرگذار مشخص گردید. سپس، مسیر پژوهش با استفاده از رویکرد مطالعات کمی و به‌کارگیری روش توصیفی-میدانی ادامه یافت تا فرضیات مرتبط با مسئله مورد بررسی قرار گیرند. حجم نمونه‌ی مطلوب برای این مطالعه برابر با ۶۰۰ نفر محاسبه گردید و داده‌ها از طریق توزیع پرسشنامه‌ها گردآوری شدند؛ پاسخگویان به ۲۷۴ پرسشنامه‌ی توزیع‌شده در شهر تهران و ۱۶۰ پرسشنامه‌ی توزیع‌شده در ۱۰ روستای بخش مرکزی تهران به طور کامل پاسخ داده‌اند. جمع‌آوری اطلاعات از جامعه‌ی مورد مطالعه با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی محقق ساخته صورت پذیرفت. برای انجام محاسبات آماری، که شامل استخراج جداول توزیع فراوانی و اجرای آزمون‌های مقایسه‌ی میانگین گروه‌های مستقل جهت آزمون فرضیات است، از بسته‌ی نرم‌افزاری SPSS-22 استفاده شد.

مفاهیم و متغیرهای تحقیق:

متغیر مستقل تحقیق حاضر استفاده از فضای مجازی است که به شکل زیر سنجیده می‌شود.

- میزان استفاده از فضای مجازی: عبارت از مدت‌زمانی از شبانه‌روز است که فرد از فضای مجازی استفاده می‌کند؛ در پنج طبقه: (۱) اصلاً استفاده نمی‌کنم (۲) کمتر از

یک ساعت (۳) بین یک تا سه ساعت (۴) بین سه تا پنج ساعت و (۵) بیشتر از ۵ ساعت تفسیم‌بندی می‌کند.

- مدت‌زمان استفاده از فضای مجازی عبارت از مدت‌زمانی است که فرد در فضای مجازی عضویت یافته است کمتر از شش ماه بین شش ماه تا یک سال، بین یک تا دو سال و بیشتر از دو سال.
- خدمات اینترنتی مورد استفاده مشارکت و درگیری فرد در فضای مجازی جست‌وجو در مقالات علمی پژوهشی، چت کردن، پست الکترونیکی اخبار و اطلاعات، وبلاگ، جست‌وجو در سایت‌های سیاسی گشت‌وگذار در سایت‌های مختلف، برقراری ارتباط با دیگران در وایبر، واتس آپ و لاین، تانگو، اینستاگرام، تلگرام، خرید کالا از طریق اینترنت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحقیق حاضر، متغیر وابسته، نظام ارزشی است که دارای دو بعد ارزش‌های خانوادگی و دینی اعضای خانواده موردسنجش قرار گرفته است: ۱- بعد ارزش‌های خانوادگی دارای گویه‌هایی مانند عشق و احترام ورزیدن به یکدیگر، گذشتن از خواسته‌های خود برای طرف مقابل، عدم سلب آزادی همسر، حفظ و دفاع از آبرو و شرافت خانوادگی خود و... موردسنجش قرار گرفته است. ۲- بعد ارزش‌های دینی شامل گویه‌هایی مانند نماز خواندن زیارت کردن، کمک به دیگران، به خداوند روز قیامت رسیدگی به اعمال، هدفمند بودن زندگی و... است. برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. در تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های آزمون مقدماتی پیش‌آزمون و به کمک رایلنه و نرم‌افزار SPSS، میزان $0/82$ و آلفای کرونباخ برای متغیرهایی که تهیه شده بودند محاسبه گردید. بر اساس این محاسبات ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیر نظام ارزشی، بعد خانوادگی $0/72$ و بعد دینی برای متغیر میزان استفاده از فضای مجازی $0/83$ است. یافته‌های تحقیق ویژگی‌های نمونه از میان افراد پاسخگو ۲۷۱ نفر ساکن شهر و ۱۴۲ نفر ساکنان روستا هستند. میانگین سنی پاسخگویان پرجمعیت $44/54$ سال و میانه‌ی سنی ۴۳ سال است. میانگین سن در روستا $42/647$ سال و میانه‌ی سنی ۴۱ سال است. از نظر تحصیلات پاسخگویان ساکن شهر $8/7$ درصد زیر دیپلم $41/3$ درصد دیپلم، $12/83$ درصد فوق‌دیپلم $33/11$ درصد لیسانس و $4/06$

درصد فوق‌لیسانس و بالاتر هستند. تحصیلات ساکنان روستا ۲۶/۷ درصد زیر دیپلم ۲۴/۸۸ درصد دیپلم ۱۹/۲۸ درصد فوق‌دیپلم، ۲۶/۵۴ درصد لیسانس و ۲/۶ فوق‌لیسانس و بالاتر است. جنسیت پاسخگویان شامل ۵۳ درصد زن و ۴۷ درصد مرد در شهر و ۳۵/۴۱ درصد زن و ۶۴/۵۹ درصد مرد در روستا هستند.

میانگین استفاده از فضای مجازی ساکنان شهر ۵/۱ ساعت و این میزان در روستا ۱/۷ ساعت بوده است.

فرضیه‌های تحقیق:

بین میزان استفاده از فضای مجازی در خانواده‌های پرجمعیت و کم‌جمعیت تفاوت وجود دارد.

بین نظام ارزشی خانوادگی در خانواده‌های پرجمعیت و کم‌جمعیت تفاوت وجود دارد.

بین نظام ارزشی دینی در خانواده‌های پرجمعیت و کم‌جمعیت تفاوت وجود دارد.

برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تفاوت میانگین‌های دو گروه مستقل استفاده کردیم:

جدول شماره ۱: تفاوت میانگین‌های دو گروه مستقل

سطح معناداری	نسبت t	درجه‌ی آزادی	حجم نمونه		تفاوت	انحراف استاندارد		میانگین		
			کم‌جمعیت	پر جمعیت		کم جمعیت	پر جمعیت	کم جمعیت	پر جمعیت	
۰/۰۱۷	-۲/۳۳	۱۸۰	۱۶۹	۲۹۱	-۱/۱۸	۰/۷۲	۰/۵۲	۵/۰۹	۴/۱۲	نظام ارزشی خانوادگی
۰/۰۰۰	-۳/۶۸	۱۸۰	۱۶۹	۲۹۱	-۱/۵۳	۰/۴۹	۰/۷۱	۵/۴۵	۴/۳۲	نظام ارزشی دینی
۰/۰۰۰	۱۶/۳۴	۱۸۰	۱۶۹	۲۹۱	۲/۷۳	۰/۹	۰/۸۴	۲/۳۲	۵/۴۳	میزان استفاده از فضای مجازی

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد میانگین نظام ارزشی دینی و خانوادگی خانواده‌های کم‌جمعیت بیشتر از خانواده‌های پرجمعیت است؛ همچنین میانگین استفاده از فضای مجازی در خانواده‌های پرجمعیت از خانواده‌های کم‌جمعیت بالاتر است. بررسی تفاوت میانگین‌ها نیز این ادعا را ثابت می‌کند. نتایج آزمون تفاوت میانگین در دو گروه

مستقل نیز نشان می‌دهد که بین خانواده‌های پرجمعیت و کم‌جمعیت در نظام ارزشی خانوادگی و دینی و استفاده از فضای مجازی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرضیه‌های مبتنی بر وجود تفاوت معنادار در نظام ارزشی خانواده دینی و استفاده از فضای مجازی در خانواده‌های پرجمعیت و کم‌جمعیت در سطح ۹۵٪ اطمینان، تأیید می‌شوند. همچنین مقایسه‌ی میانگین‌های نظام ارزشی خانوادگی نشان می‌دهد؛ خانواده‌های کم‌جمعیت با میانگین بالاتری از نظام ارزشی خانوادگی قرار دارند. همچنین این تفاوت میانگین‌ها در مورد نظام ارزشی دینی نیز صادق است.

جدول شماره ۲ محاسبه ضریب همبستگی و تبیین در دو گروه مستقل

متغیر	حجم نمونه	میزان ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب تعیین
نظام ارزشی خانوادگی فضای مجازی	۳۷۶	-۰/۲۱۳	۰/۰۰۳	۰/۰۵۲
نظام ارزشی دینی فضای مجازی	۳۷۶	-۰/۱۷۳	۰/۰۴	۰/۰۴۳

نتایج ارائه شده در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که همبستگی میان متغیر نظام ارزشی و میزان استفاده از فضای مجازی برابر با ۰/۲۱۳ است که این میزان در حد متوسط به پایین قرار دارد. با این حال، بررسی سطح معناداری آماری ($0/05 > 0/003$) بیانگر وجود رابطه‌ای معنادار بین این دو متغیر است. بنابراین می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد تأیید کرد که بین میزان بهره‌گیری از فضای مجازی و نظام ارزشی خانوادگی پیوند وجود دارد. علامت منفی ضریب همبستگی، نشان‌دهنده‌ی رابطه معکوس بین این دو متغیر است؛ به این معنا که با افزایش استفاده از فضای مجازی، میزان نظام ارزش خانوادگی تمایل به کاهش دارد و بالعکس.

از سوی دیگر، رابطه بین نظام ارزشی دینی و استفاده از فضای مجازی نیز بررسی شده است که میزان همبستگی آن برابر با ۰/۱۷۹ می‌باشد که درجه‌ای کم دارد، اما سطح معناداری ($0/05 > 0/004$) گویای معنادار بودن این رابطه است. علامت منفی این ضریب نیز مؤید رابطه معکوس بین میزان استفاده از فضای مجازی و نظام ارزش دینی است؛ به طوری که با افزایش میزان استفاده از فضای مجازی، نظام ارزشی دینی کاهش می‌یابد و بالعکس.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توسعه فراگیر رسانه‌ها، به‌ویژه اینترنت، در زمان حاضر تغییرات وسیعی در روابط و ساختارهای اجتماعی ایجاد کرده است؛ این تحول در نظام‌های حقوقی و نقش‌های فردی و جمعی، خود نشانگر تأثیر گسترده‌ی رسانه‌ها بر فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جاری در جامعه است. محسنی بر این باور است که تکنولوژی‌های نوین، به‌ویژه کامپیوتر، نمادهای فناوری‌هایی هستند که فرهنگ‌سازی و تغییرات فرهنگی را رقم می‌زنند و تحولات الکترونیک همواره سبب دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. در همین راستا، مرتون معتقد است که رسانه‌ها در طولانی‌مدت توانایی شکل دادن یا تغییر دادن ساختارهای ارزشی را دارند؛ فرآیندی که در آن ارزش‌ها درون‌مایه‌هایی پویا و قابل اصلاح تلقی می‌شوند. مارگارت مید با تحلیل فاصله نسلی ناشی از تحولات عمیق اجتماعی، تأکید می‌کند که این تغییرات بر تربیت و رفتار فرزندان اثر مستقیم دارد و در نتیجه، شکاف و اختلاف میان نسل‌ها پدید می‌آید؛ او سه نوع جامعه را بر اساس سرعت تغییرات مشخص می‌کند: جوامعی با تغییرات کند، جوامعی با تغییرات سریع که نسل جدید را ناگزیر به پیروی از هم‌نسلان می‌کند، و جوامعی با دگرگونی‌های شدید که نسل جدید را وادار به بنیان‌گذاری ارزش‌ها و نگرش‌های جدید می‌کند و این فرآیند غالباً دچار وقفه و تداخل فرهنگی می‌شود. در فضای خانواده، تغییرات بنیادی در روش‌های تعامل و رفتار مشهود است؛ به‌طور خاص، در خانواده‌های کم‌جمعیت و سنتی که نظام ارزشی و استقلال فردی محدودتر بود، با گسترش ارتباطات فردی مستقل در رابطه با جهان جدید، این حوزه تقویت شده و روابط درون‌خانوادگی نیازمند تعامل متقابل و احترام به ارزش‌های فردی است، و استمرار یا تغییر ارزش‌های خانوادگی، منوط به درک و پذیرش معانی اخلاقی و فردی در فضای نوین است. اینگلهارت معتقد است که پس از رسیدن به امنیت اقتصادی و جانی، تفاوت‌های ارزشی میان نسل‌ها آشکار می‌شود و رسانه‌های جمعی نقش اساسی در تسریع این تحولات دارند؛ مرتون نیز تأکید دارد که قدرت رسانه‌ها در شکل‌دهی و تغییر ساختارهای ارزشی در بلندمدت غیرقابل انکار است و راجرز نیز نقش ارتباطات در دگرگونی‌های اجتماعی را اثبات می‌کند، به گونه‌ای که رسانه‌ها می‌توانند در کوتاه‌مدت جریان فکری را تقویت کرده و در صورت آمادگی جامعه، تحولات بنیادین را تسهیل نمایند و این امر به شکل‌گیری تفاوت‌های نسلی در نگرش‌ها

و ارزش‌ها منجر می‌شود. مارگارت مید مجدداً تأکید می‌کند که فناوری‌های نوین تأثیر عمیقی بر تربیت کودکان دارند و ممکن است شکاف‌های نسلی را عمیق‌تر سازند، به این معنی که در جوامع مختلف، نوع تعامل و ارزش‌های پذیرفته شده توسط نسل‌های قدیم و جدید دچار تغییر و تداخل شده است؛ در حالی که جوامع سنتی بر حفظ اصول قدیمی تأکید دارند، نسل جدید در جوامع در حال تحول با ابزارهای جدید، نظام ارزشی متفاوتی می‌سازد و ارزش‌های قدیمی را به چالش می‌کشد. آلپورت نیز ارزش‌ها را بر اساس علایق فردی در دسته‌های نظری، اقتصادی، هنری، اجتماعی، سیاسی و مذهبی طبقه‌بندی می‌کند که این تقسیم‌بندی نقش ارزش‌های دینی و برون‌دینی در فرد و جامعه را نشان می‌دهد و به درک تفاوت‌های ارزش‌مدارانه نسل‌ها کمک می‌کند (طالبی، ۱۳۸۷). در جوامع پیشرفته، تحولات اقتصادی و فناوری‌های نوین موجب کاهش ارزش‌های مادی‌گرایانه و تمرکز بر ارزش‌های فردی شده است که این امر، نیازمند فرآیندی تدریجی بوده و فاصله نسلی و فرهنگی ایجاد می‌کند؛ در مقایسه، خانواده‌های محیط‌های سنتی و روستایی کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اما دسترسی به فضای مجازی، انتقال ارزش‌ها را پیچیده‌تر ساخته و سوگیری‌های فرهنگی و ارزشی در خانواده‌های کوچک‌تر با فردگرایی بیشتر، در تعامل با رسانه‌های نوین، آشکارتر می‌شود. در نهایت، با توجه به نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته، نقش رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، به‌خصوص اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، در شکل‌دهی و تغییر ارزش‌های خانوادگی و فرهنگی بسیار مهم است و این عناصر می‌توانند در تعارض با نظام‌های ارزشی سنتی، موجب اختلافات میان نسل‌ها و تغییرات عمیق در الگوهای رفتاری شوند؛ لذا، پیشنهاد می‌شود آموزش‌های مدرن و آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها و در مدارس برای مدیریت بهتر اثرات این فناوری‌ها بر خانواده و فرهنگ، در اولویت قرار گیرد و مراکز فرهنگی و دینی در روستاها و شهرها نیز با به‌روز کردن مطالب، نقش موثری در کاهش گرایش به منابع نامعتبر فضای مجازی ایفا نمایند.

قدردانی

نویسندگان این مقاله صمیمانه از تمامی افرادی که در فرآیند انجام این پژوهش همکاری داشتند، قدردانی می‌نمایند.

منابع

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته، صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، انتشارات کویر.
- بردبار، مریم؛ صمدیه، هادی. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای کنجکاوای معرفت‌شناختی در رابطه‌ی بین باورهای معرفت‌شناختی و درگیری عاملی دانشجویان. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۱۱(۱)، ۸۲-۱۰۲.
- بزرگمهر، پawan، بزرگمهر، احمدزاده، کامیار، احمدنژاد. (۱۴۰۳). تأثیر انگیزش درونی معلمان بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانشان. کنفرانس بین‌المللی مطالعات بین‌رشته‌ای در مهندسی و مدیریت، ۹(۹)، ۱۱۷۲-۱۱۸۱. <http://noo.rs/SUewY>
- پناهی، امیر. (۱۳۸۴). ساختار قدرت در خانواده - مدرسه و باز تعریف مشارکت اجتماعی
- پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دفتر مطالعات و تحقیقات، زنان، نامه علوم اجتماعی.
- حاجی‌زاده و همکاران. (۱۳۸۹). "همگامی مشترک در خانواده و دین‌داری جوانان شهر یزد فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۳، ۲۳-۴۶.
- رابرتسون، رولند. (۱۳۸۳). جهان - محلی شدن زمان - مکان همگونی و ناهمگونی، ترجمه‌ی مراد فرهاد پور، فصلنامه‌ی، فلسفی، ادبی فرهنگی ارغنون، شماره‌ی ۲۴.
- ساروخانی، بلایی فرد. (۱۳۹۱). اینترنت جهانی‌شدن و هویت فرهنگی جوانان در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران: نشر دیدار.
- طالبی، سکینه. (۱۳۸۷). تحول هویت ملی دانش‌آموزان دختر در دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر، تهران پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، تهران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- طولابی، زینب؛ کمریگی خلیل. (۱۳۹۲). تفاوت ارزشی در روابط والدین و فرزندان بررسی و تبیین مسئله‌ی تفاوت ارزشی در ایلام فصلنامه‌ی خانواده پژوهی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳۴.
- عاملی، سعید رضا. (۱۳۹۰). مطالعات جهانی‌شدن دو فضایی شدن‌ها و دو جهانی شدن‌ها، تهران: انتشارات سمت.

- کفاشی، مجید. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده، فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره‌ی سوم. گنجی، احمد. (۱۳۸۵). بررسی الگوی کاربران اینترنت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مطالعه موردی، نوجوانان و جوانان شهر تهران پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد پژوهش در علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- گیدنز، انتونی. (۱۳۷۶). پیامدهای مدرنیته ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- لهسایی زاده عبدالعلی. (۱۳۸۵). نظریات مهاجرت انتشارات دانشگاه شیراز.
- مک کوپیل، دنیس. (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه‌ی ارتباطات جمعی ترجمه‌ی پرویز اجلائی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- Arslan, G., & Allen, K. A. (2021). School victimization, school belongingness, psychological wellbeing, and emotional problems in adolescents. *Child Indicators Research*, 14(5), 1501-1517. <https://doi.org/10.1007/s12187-021-09813-4>
- Baranova, T., Khalyapina, L., Kobicheva, A., & Tokareva. E. (2019). Evaluation of Students' Engagement in Integrated Learning Model in a Blended Environment. *Education Sciences*, 9(2), 152-169.
- Belfi, B., Goos, M., Fraine, B. D., & Damme, J. V. (2012). "The effect of class composition by gender and ability on secondary school students' school well-being and academic self-concept: A literature review". *Educational Research Review*, 7(1), 62-74. <https://doi.org/10.1016/j.edurev.2011.09.002>